

از برنامه ها و اقدامهای امام مهدی (ع)، پدید آوردن رفاه در کل جامعه بشری است. در آن دوران طبق ترسیم آیات و احادیث، جامعه بشری واحدی تشکیل می گردد که مانند خانواده ای زندگی می کنند، و مساله ناهنجار جوامع پیشرفته و ابرقدرت، و جامعه های در حال رشد، و جامعه های عقب مانده و محروم از میان می رود (1) و بشریت به طور کلی به رفاه اقتصادی و بی نیازی دست می یابد، و همین چگونگی زمینه اساسی رشد و تعالی معنوی و فکری انسان را می سازد.

طبق تحقیقات کارشناسان و متخصصان، (2) بخش عظیم و مهمی از مسائل عقب ماندگی و وابستگی و کمبود مواد غذایی و معیشتی (اگر نگوییم تمام آن) به دو عامل بستگی دارد، و این هر دو عامل با هم در ارتباط اند:

- 1- نظام اقتصادی حاکم بر جهان.

- 2- نظام سیاسی حاکم بر جامعه.

- 1- «نظام اقتصادی حاکم بر جهان»، یعنی نظام و سیستمی که قدرتهای اقتصادی جهان در کشورهای استعمارگر پدید آورده اند، و هدف و آرمان آنها دستیابی به قدرت اقتصادی روزافزون و سلطه بر منابع ثروت جهان است. این قدرتهای سلطه گر، با برنامه ریزیهای دقیق خود، مانع هرگونه استقلال، خودکفایی و رشد تولید و پیشرفت اقتصادی در کشورهای عقب نگهداشته شده اند. این قدرتها از راههای گوناگون و شیوه های تبلیغی و برنامه ریزیهای گسترده و عمیق، در سایه سلطه نظامی و سیاسی و فرهنگی، آزادی فکر و عمل را از آحاد مردم در جهان سوم می گیرند، و روشها و شیوه هایی در همه مسائل زندگی از جمله در تولید و مصرف و تکنولوژی و فرهنگ و راههای معیشت، بر آنان تحمیل می کنند که به سود سرمایه داران بزرگ و سلطه بیشتر جهان پیشرفته است. در سایه این سلب فکر و سلب شخصیت و سلب آزادی و آزادفکری، پدیده عقب ماندگی ویی و خودیابی و اعتماد به نفس می میرد، و وابستگی روز به روز در اعماق اجتماعات عقب مانده گسترش می یابد. از این رو، صاحب نظران مسائل اقتصادی - اجتماعی می گویند: کمک به کشورهای عقب مانده (3) تنها در این است که آنها را به خودشان واگذارند. (4)

- 2- «نظام سیاسی حاکم بر کشورها» نیز نوعا عامل و دست نشانده قدرتهای جهانی هستند، و همواره به زیان ملتهای خود گام برمی دارند، و برای سلب هرگونه فکر و اندیشه از مردم و نفی حس خودشناسی و خودیابی در مردم خویش می کوشند، و جریانهای فکری و فنی فرمایشی را در میان ملت خویش نشر می دهند، و با رسانه ها و ابزارهای تبلیغاتی هرگونه استقلال فرهنگی و اقتصادی را از جامعه سلب می کنند، و توده ها را برده وار به اسارت و پیروی کورکورانه این دو جریان مسلط و حاکم - یکی بیگانه و دیگری خودی - نخستین موضوعی که صدمه می بیند و یا بکلی نفی می گردد، اصالت فکر و فرهنگ خودی و حس اعتماد به نفس و بازیابی و بازشناسایی نیروهای نهفته در درون خود و جامعه خودی است.

در رستاخیز ظهور امام منجی (ع)، این بندها و دامها از سر راه برداشته می شود، و عوامل سلطه بر فکر و فرهنگ و اقتصاد و سیاست جهان و کشورها نابود می گردد، و انسانها آزاد می شوند، و با هدایت آن امام به خود می آیند

و دیگر بار خویشتن خویش را بازمی یابند و بازمی شناسند و آزادانه فکر می کنند، و راههای تحمیلی و تبلیغی را از راه اصلی و درست جدا می سازند. و این است آزادی و آزادی واقعی، آزادی که در سراسر دنیای کنونی تنها واژه آن وجود دارد و از محتوا و مفهوم آن خبری نیست.

در دنیایی که تقسیم بندی جهانی با معیارهای ظالمانه صورت می گیرد، و امتهای ضعیف، به حال خود گذارده نمی شوند، و از راههای مری و نامریی در شبکه های پیچیده نظامهای سلطه و سرمایه داری جهان گرفتار می آیند، سخن از آزادی واقعی و آزادفکری، بازی با کلمات است. و گفتگو بر سر استقلال اقتصادی و انتخاب شیوه و راه زندگی و معیشت و دستیابی به رفاه بیهوده است. زیرا در چنین شرایطی، بخشهای عظیمی از بشریت مواد لازم زندگی را در اختیار ندارند و دچار کمبود و فقرند، و بخشهای دیگر نیز طبق الگوها و معیارهایی که سرمایه داران و تولیدکنندگان بزرگ بر جامعه تحمیل می کنند باید زندگی کنند، و از مواد و کالاها بهره گیرند، و خود قدرت اختیار و انتخاب ندارند.

از این رو در رستاخیز امام مهدی (ع)، انسان در آغوش آزادی به معنای واقعی کلمه می آرامد، و در پرتو این آزادی همه بندها و زنجیرهایی را که بر پایش نهاده اند می گسلد، و را به دو بخش پیشرفته و عقب مانده تقسیم کرده اند از میان می رود، و پدیده شوم فقر و نیاز نیز نفی می گردد، و رفاه اقتصادی در پرتو چنین معیارهایی به جامعه و افراد داده می شود. تردیدی نیست که بدترین و ناهنجارترین اسارت برای بشریت، فقر و نیاز روزانه به غذا، لباس، مسکن، دارو و دیگر لوازم زندگی است. این اسارت برای انسان لحظه ای آسایش و فراغت باقی نمی گذارد، و زمینه های رشد و تکامل معنوی و مادی او را نابود می سازد، و همواره انسان را در اندیشه سیر کردن شکم و پوشاندن بدن و دست یابی به سایبان و بهبودی از درد و بیماری و... فرو می برد، و فرصتی باقی نمی گذارد تا به مفاهیم بالا و برتر زندگی بیندیشد، و پایگاه انسانی خود را درک کند، و از عروج و تکامل نوع انسان سخن بگوید. در دوران رفاه اقتصادی و رفع همه نیازها، آدمی از این بردگی و اسارت هستی سوز رهایی می یابد، و از بند مشکلات آن آزاد می گردد، و به مسائل متعالی و برتر و تکامل و رشد و صعود می اندیشد و در آن راستا گام برمی دارد.

احادیث بسیاری درباره رفاه اقتصادی دوران ظهور وجود دارد و شاید از جمله مسائلی باشد که بیشترین تاکید بر آن شده است. و این اهمیت موضوع و نقش آن را در ساختن جامعه سالم قرآنی می رساند، و شاید پس از اصل عدالت دومین موضوعی باشد که در آن دوران در جامعه ها پدید می آید. و این هر دو با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند، زیرا که اجرای دقیق عدالت برای از میان بردن روابط ظالمانه و غاصبانه آکل و ماکولی است تا اقویا حق ضعیفان را نخورند و آنان را محروم نسازند. بنابراین، رفاه اقتصادی برای همه، با اجرای اصل عدالت اجتماعی و برپایی قسط قرآنی امکان پذیر است، بلکه رفاه و بی نیازی از میوه های درخت تناور عدل است، و امام با تحقق بخشیدن به اصول دادگری و عدالت اجتماعی، همگان را به زندگی درست و سامان یافته می رساند. امام صادق (ع):

...ان الناس يستغنون اذا عدل بينهم... (5)

- ... مردمان بی نیاز می گردند آنگاه که عدالت میانشان حاکم باشد...

ن الله لم يترك شيئاً من صنوف الاموال الا و قد قسمه، واعطى كل ذي حق حقه، الخاصة والعامة والفقراء والمساكين، و كل صنف من صنوف الناس... فقال: لو عدل في الناس لاستغنوا... (6)

- خداوند همه ثروتها را (از همه منابع درآمد) میان مردم تقسیم کرده است، و به هر کس حقش را داده است:

کارگزاران و توده مردم و بینوایان و تهیدستان و هر گروهی از گروههای مردم. سپس امام گفت: اگر عدالت اجتماعی برقرار شده بود همه مردم بی نیاز شده بودند...

بنابراین در سایه عدالت است که به رفاه اقتصادی و بی نیازی مادی می توان دست یافت.

همچنین از نظر تعالیم اسلامی، حاکمیت اگر درست و اسلامی باشد و برنامه ها و مجریانی قرآنی و اسلامی به کار گمارده شوند، محرومیت و نیازمندی در جامعه باقی نمی ماند، زیرا که اصول عدل و حق اجرا می گردد، و در پرتو آن اجرای اصول، همه مردم به رفاه و بی نیازی می رسند.

امام علی (ع):

اما والذی فلق الحبة، و برا النسمة، لو اقتبستم العلم من معدنه، و ادخرتم الخیر من موضعه و اخذتم الطريق من وضحه، و سلکتم من الحق نهجه، لنهجت بکم السبل، و بدت لکم الاعلام، و اضاء لکم الاسلام، و اکلتم رغدا، و ما عال فیکم عائل، و لا ظلم منکم مسلم و لامعاهد... (7)

- سوگند به خدایی که دانه را (در دل خاک) بشکافت، و آدمیان را آفرید، اگر علم را از معدن آن اقتباس کرده بودید، و خیر را از جایگاه آن خواستار شده بودید و از میان راه به رفتن پرداخته بودید، و راه حق را از طریق روشن آن پیموده بودید، راههای شما هموار می گشت، و نشانه های هدایتگر پدید می آمد، و فروغ اسلام شما را فرا می گرفت، و به فراوانی غذا می خوردید، و دیگر هیچ عائله مندی بی هزینه نمی ماند، و بر هیچ مسلمان و غیر مسلمانی ستم نمی رفت.

در پرتو حاکمیت قرآنی و محمدی (ص) و علوی (ع) امام مهدی (ع)، و با اجرای اصل عدالت اجتماعی که سیره انکارناپذیر آن امام سامان می یابد، و نیازها برآورده می گردد، و رفاه اقتصادی و آسایش معیشتی بر تمام بخشها و زوایای زنگی خانواده بشری پرتو می افکند.

با اینکه موضوع رفاه اقتصادی از شاخ و برگهای عدالت اجتماعی است، در احادیث جداگانه مطرح گردیده است. و این اهمیت موضوع را آشکار می سازد.

پیامبر اکرم (ص):

یکون فی امتی المهدی... یتعنم امتی فی زمانه نعیمًا لم یتعنموا مثله قط، البر والفاجر، یرسل السماء علیهم مدرارًا، ولا تدخر الارض شیئًا من نباتها. (8)

- در امت من مهدی قیام کند... و در زمان او مردم به نعمتهایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. (همه) نیکوکار و بدکار. آسمان بر آنان ببارد و زمین چیزی از روییدنیهای خود را پنهان ندارد.

پیامبر اکرم (ص):

یکون فی امتی المهدی ... والمال یومئذ کدوس، یقوم الرجل فیقول: یا مهدی اعطنی، فیقول: خذ (9)

- در زمان مهدی (ع)... مال همی خرمن شود. هر کس نزد مهدی آید و گوید: «به من مالی ده! مهدی بیدرنگ بگوید: «بگیر.»

امام علی (ع):

... و اعملوا انکم ان اتبعتم طالع المشرق سلک بکم منهاج الرسول ... و کفیتم مؤونة الطلب والتعسف، و نبذتم الثقل الفادح عن الاعناق... (10)

- بدانید اگر شما از قیامگر مشرق (امام مهدی «ع») پیروی کنید، شما را به آیین پیامبر درآورد... تا از رنج طلب و ظلم (در راه دستیابی به امور زندگی) آسوده شوید، و بار سنگین (زندگی) را از شانه هایتان بر زمین نهید...

رفاه تا این پایه و تامین سطح زندگی تا این سطح، آرمانی است الهی که به دست مبشر راستین عدالت و انصاف و سعادت و آسایش، امام مهدی (ع) تحقق می یابد.
امام علی (ع):

ثم يقبل الى الكوفة فيكون منزله بها، فلا يترك عبدا مسلما الا اشتراه و اعتقه، ولا غارما الا قضى دينه، و لا مظلمة لاحد من الناس الا ردها، ولا يقتل منهم عبد الا ادى ثمنه، دية مسلمة الى اهله، و لا يقتل قتيل الا قضى عنه دينه و الحق عياله فى العطاء، حتى يملأ الارض قسطا و عدلا... (11)

- ... سپس (امام مهدی «ع») به کوفه، درآید، و در آنجا مسکن گزیند، و هر برده مسلمانی را (در صورتی که باقیمانده باشد) بخرد و آزاد کند و دین بدهکاران را بپردازد، و مظلومه ها و حقهایی که بر گردن کسان است (به صاحبان حق) بازگرداند، کسی کشته نشود مگر این که بهای آن را (که دیه است) به صاحبانش تسلیم کند، و آن کس که کشته شد بدهیش را بپردازد، و (زندگی) خانواده او را تامین کند، تا سراسر زمین را از عدل و داد بپاکند... تامین زندگی و رفاه تا این پایه است که اگر از مسلمانان کسی هنوز در بردگی مانده بود به دست امام خریده می شود و آزاد می گردد. اگر کسی بدهکاری داشت بدهی او پرداخت می شود. هر کس حقی و حقوقی از دیگران بری قصاص شد دیه او به صاحبش پرداخت می گردد. هر کس به دلیل جرمی به اعدام محکوم شد بدهکاریهای او پرداخت می شود، و پس از اعدام وی زندگی خانواده اش همسان و هم سطح دیگر مردم تامین می گردد. و اینها همه برای اجرای عدالت دقیق در سراسر آبادیهای زمین است. یعنی عدالت در آن دوران چنین مفهومی عمیق و گسترده و انسانی دارد، که هر مشکل و ناهنجاری و گرفتاری را برطرف می سازد.
امام باقر (ع):

و يعطى الناس عطايا مرتين فى السنة و يرزقهم فى الشهر رزقين... حتى لا ترى محتاجا الى الزكاة و يجيبى ء اصحاب الزكاة بزكاتهم الى المحاويع من شيعته فلا يقبلونها، فيصرونها و يدورون فى دورهم، فيخرجون اليهم، فيقولون: لا حاجة لنا فى دراهمكم ... فيعطى عطاء لم يعطه احد قبله. (12)
- (امام مهدی «ع»)، در سال دو بار به مردم مال ببخشد و در ماه دو بار امور معیشت بدانان دهد... تا نیازمندی به زکات باقی نماند. و صاحبان زکات، زکاتشان را نزد محتاجان آورند، و ایشان نپذیرند. پس آنان زکات خویش در کیسه هایی نهند و در اطراف خانه ها بگردند (برای دستیابی به محتاجی)، و مردم بیرون آیند و گویند: ما را نیازی به پول شما نیست... پس دست به بخشایش گشاید، چنانکه تا آن روز کسی آنچنان بخشش اموال نکرده باشد.
امام صادق (ع):

ان قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنور ربها... و يطلب الرجل منكم من يصله بماله و ياخذ منه زكاته، فلا يجد احدا يقبل منه ذلك و استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله. (13)
- هنگام رستاخیز قائم ما زمین با نور خدایی بدرخشد... و شما به جستجوی اشخاصی برمی آید که مال یا زکات بگیرند و کسی را نمی یابید که از شما قبول کند، و مردمان همه به فضل الهی بی نیاز می گردند.
سطح زندگی در این حد بسیار متعالی و آرمانی و رفاه اقتصادی تا این پایه، در دنیای سراسر ظلم و جامعه های طبقاتی و سرشار از تضاد بر سر منافع و با روابط ظالمانه استثماری برای ما، قابل درک نیست، لیکن وعده خدا است و تحقق خواهد یافت. آیا چنین هدفی با این بزرگی و عالم گستری، با شیوه های اخلاقی و پند و موعظه پدید می آید، یا امام مهدی (ع) تنها با اعجاز و قدرت معنوی این چگونگیها را در زمین پدید می آورد؟ یا شیوه ها

و روشهایی ویژه برای رشد ثروت و تولید کافی کالاها به کار می برد که تا کنون نبوده است؟ روشن است که ایجاد رفاه اقتصادی در این حد و برای یکایک افراد خانواده بشری، کاری بزرگ و مشکلی بس عظیم است، و به دشواری می توان تصور کرد که در آن روزگار چه مسائل و عواملی پدید می آید که چنین زیستی نصیب انسانها می گردد.

با مطالعه در وضعیت زندگی کنونی بشر و با بررسی دقیق منابع طبیعی و ذخایر موجود در زمین و محاسبه استعداد انسان و محاسبه مقدار مصرف زائد و مسرفانه و تجملی در همه اموال جهان در نزد مهدی (ع) گرد آید، آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین، آنگاه مهدی به مردمان بگوید: بیائید! و این اموال را بگیرید. اجتماعات مختلف بشری به اصل دست می یابیم:

1- منابع طبیعی و ذخایر زمین این استعداد را دارد که پاسخگوی مجموعه نیازهای انسانها باشد (در هر مقوله از مقولاتی که در زندگی بدانها نیازی هست)، و کمبودها را برطرف سازد و آدمیان را به رفاه و آسایش و تامین معاش برساند.

2- محاسبه مقدار مصرف تجملی و مسرفانه اجتماعات بشری، (14) روشن می سازد که اگر این اسرافکاریها و شادخواریها به صورتی درست و اصولی مهار گردد، و با انضباط و قانونی سازش ناپذیر جلو عیاشی و ریخت و پاشهای زاید گروه اشراف رفاه طلب و شادخوار گرفته شود، نیازهای کل بشریت برآورده می شود و زندگی همگان در روی زمین تامین می شود.

3- با بررسی استعداد خلاق و هوش مبتکر انسانی، روشن می شود که انسانها می توانند در پرتو پیشرفت دانشها، به فورمولها و اصول تازه ای دست یابند که معاش آنان بهتر تامین شود، و نیازها و خواسته ها بیشتر برآورده گردد، و رفاه و آسایشی عمومی و همگانی پدید آید. با توجه به این سه محور، امکان پدید آمدن دوران رفاه مطلق و تامین زندگی در سطحی متعالی برای همه مردم روی زمین، روشن می گردد. در این بخش از این رساله، به بررسی برخی از علل و عواملی می پردازیم که ممکن است در رستاخیز قیام و انقلاب امام مهدی (ع) به کار گرفته شود، و با تکیه بر آنها بودجه و مواد و منابع عظیم و کلان برای چنین اقدامی عظیم تامین گردد، و در فروغ آن زندگی بشریت سامانی درخور یابد:

1- برقراری عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به معنای تعادل و توازن در کلیه جریانهای اقتصادی جامعه است، و نظام تولید و توزیع مصرف را در بر می گیرد. عدالت به این معنا، اگر گستره ای جهانی یابد و دقیق و بی استثنا حدود آن مشخص شود و درست اجرا گردد. تعادل و توازن در کل جامعه بشری پدید می آورد که آرمان همه عدالتخواهان الهی و بشری بوده است. در پرتو چنین عدالتی، فاصله های اقتصادی به معنای اسراف و تکاثر در بخشهایی و کمبود و محرومیت در بخشهای فراوان دیگر ریشه کن می گردد. و چنانکه در بخش نخست (15) دیدیم، مگان است.

2- اجرای اصل مساوات

رعایت قاطع اصل مساوات نیز موجب تعدیل ثروتها و برابری در توزیع کالاها و مواد مورد نیاز همه مردم است، و از تراکم و ذخیره سازی کنز و اسرافکاری نزد طبقات و گروههایی مانع می گردد، و زمینه های اصلی کمبود و نیازمندی را برطرف می سازد.

در فصل بعد روشن خواهد شد که با اجرای اصل مساوات نیازها برآورده می گردد، و محتاج و تهیدستی باقی نمی ماند. در این باره به چنین تعالیمی برمی خوریم: «و یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجا الی الزکاة: (16) (امام مهدی «ع») میان مردم (در تقسیم اموال) به مساوات رفتار می کند به طوری که دیگر نیازمند و محتاجی یافت نمی شود.» و این همان سطح متعالی زندگی و رفاه عمومی است که زکات مورد مصرف نداشته باشد، و همه چیز به همه مردم برسد. این موضوع در اصل «مساوات» روشن خواهد گشت.

3- عمران و آبادی زمین

عمران و آبادی زمین، و بهره برداری از امکانات آن تا سر حد امکان، از دیگر اقدامات امام است. این کار، در دوران پیش از ظهور با همه پیشرفت علوم و تکنولوژی در همه زمینه ها بطور کامل انجام نشده است. طبق نظر متخصصان، بسیاری از زمینها قابل عمران و آبادی و کشاورزی و تولید است، بسیاری از آنها دارای استعداد ذخیره شدن و بهره برداری است، و بسیاری از مناطق زمین متروک و رها شده مانده است، و بسیاری از مناطق به علت نفوذ سیاستهای استعماری و ایجاد وابستگی و محرومیت بطور کامل از آنها بهره برداری نمی شود، و سیستمهای تولید و که به سود طبقات محروم نیست، بلکه برای کشورهای سلطه طلب سودمند است. این موضوع نیز از نظر متخصصان و آمارگیران ثابت است که زمین استعداد اداره و تامین چند برابر جمعیت کنونی را دارد به سه شرط:

الف - از همه امکانات بهره برداری شود.

ب - از اسرافکاری و شادخواری و کامروایی فزون از حد گروههایی اندک ممانعت به عمل می آید.

ج - تکنیکهای دقیق علمی و فنی و متناسب با محیطها و سرزمین ها به کار رود.

4- پیشرفت فنون

چنانکه در فصل «تکامل علم و عقل» در دوران ظهور خواهیم گفت، علم و دانش بشر در رستاخیز امام مهدی (ع) به تکامل نهایی می رسد، و امام با برنامه ریزیهای دقیق که از دانش بی کران الهی او برخاسته است، همه مناطق زمین را آباد می کند، و برای تامین زندگی و ایجاد رفاه همگانی راه و روشهایی را عرضه می کند که تا آن روز برای بشر ناشناخته بوده است. با توجه به اینکه راه اصلی رشد تولید و خودکفایی، بهره برداری از علوم و فنون و تخصصهای ویژه و طرحها و برنامه های ماهرانه است. علوم و فنون بشری در رستاخیز ظهور با علوم و فنون در دوران پیش از ظهور قابل مقایسه نیست، از این رو، پیشرفتهای رشد تولید و سرمایه در آن دوران با هیچ دوره دیگر همانند نیست. امام مهدی (ع) در همه زمینه ها به دانش بشر تکامل می بخشد. و چنانکه در علوم الهی و ماورای طبیعی همه اشتباهات و جهلهای بشری را برطرف می سازد و معیارهای درست در شناخت مبدا و معاد را به انسان می دهد، در علوم مادی و تکنیکهای رشد اقتصادی و سامانیابی زیست ور به انسان عرضه می کند، و با شیوه های بسیار دقیق، نظام تولید و بهره برداری از منابع طبیعی را رشدی توصیف ناپذیر می بخشد و بدینگونه مشکل کمبودها و نارساییها را بکلی برطرف می کند.

فاصله پیشرفت علمی و عقلانی و وضع دانش انسان در آن دوره با وضع کنونی، بسی افزونتر است از فاصله دانش امروز بشری با دورانهای گذشته تاریخ.

از علل و عوامل مهم و اساسی رشد تولید، بویژه در بخش کشاورزی - که مادر تولید در بخشهای دیگر است - نزولات آسمانی و بارانهای مناسب و بموقع است. طبق تعالیم قرآن و احادیث پارسایی و نیکوکاری و احسان و بخصوص دادگری موجب نزول رحمتهای الهی و وفور نزولات آسمانی است (17)، و گناه بویژه ظلم در روابط انسانی موجب خشکسالی و محرومیت از رحمت الهی و قلت نزولات است. در دوران ظهور چون نیکی و احسان و عدل و انصاف بر سراسر گیتی پرتو می افکند، و روابط انسانی بر اصل عدل و انصاف استوار می گردد، و مردمان همه به نیکی و نیکوکاری و پارسایی می گرایند، و ظلم و ستم را یک سو می نهند، از این رو، شایسته فضل و رحمت بیشتر می گردند، و بارش بارانهای مناسب و بموقع سبب رشدی وصف ناپذیر در تولید خواهد گشت و بسیاری از مشکلات و کمبودها و نیازمندیها را برطرف خواهد ساخت.

پیامبر اکرم (ص):

یتنعم امتی فی زمن المهدی (ع) نعمة لم یتنعموا قبلها قط یرسل السماء علیهم مدرارا ولا تدع الارض شیئا من نباتها الا اخرجته... (18)

- ... امت من در زمان (رستاخیز) مهدی (ع) به نعمتهایی دست یابند که پیش از آن و در هیچ دوره ای دست نیافته بودند. در آن روزگار، آسمان باران فراوان دهد، و زمین هیچ روییدنی را در دل خود نگاه ندارد... چون مردمان به تقوا و پارسایی روی می آورند، خداوند برکات و بارانها را فرو می فرستد و خشکی و کم آبی در مناطق بسیاری برطرف می شود؛ و این وعده الهی که درباره جامه تقوایپیشگان مژده داده است آشکار می گردد: م انه کان غفارا. یرسل السماء علیکم مدرارا و یمدکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا: (19) سپس گفتم از پروردگارتان آموزش بخواهید که او آموخته است. تا از آسمان برایتان پی درپی باران فرستد. و شما را به اموال و فرزندان مدد کند. و برایتان بستانها و نهرها بیافریند.

امام علی (ع):

... و لو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها، و لاجرت الارض نباتها... حتی تمشی المرأة بین العراق الی الشام لاتضع قدمیها الا علی النبات... (20)

- ... چون قائم قیام کند، آسمان - چنانکه باید - باران بارد و زمین گیاه رویاند ... به گونه ای که زن، از عراق درآید و تا شام برود و جز بر زمینهای سرسبز گندم ننهد...

6 - برنامه ریزی درست و از یک نقطه

چنانکه در آغاز این فصل یادآور شدیم عامل محرومیت و عقب ماندگی اکثریت کشورها و اجتماعات بشری، کشورهای قدرتمند و سلطه طلب است. اگر سلطه طلبان از میان بروند و تقسیم جامعه بشری به دو یا سه طبقه: پیشرفته و در حال رشد و عقب مانده، نفی شود و همه برنامه ریزیها و فکر و تخصصها و سرمایه ها و مدیریتها تا سر حد امکان بطور یکسان در همه مناطق زمین، تقسیم گردد و تبعیض و تفاوتی در کار نباشد، و جهان دارای مرکزیتی یگانه و واحد شود که بر اساس عدل و مساوات به همه انسانها یکسان بنگرد، و تقسیم بندیهای ظالمانه جامعه بشری را محو سازد، و همه امکانات طبق نیازها به مناطق عالم گسیل گردد، و هیچ نقطه ای متروک و رها شده باقی نماند، بطور طبیعی مشکلات و نابسامانیهای زندگی انسانها برطرف می شود و

رفاه و آسایش بر سراسر زمین سایه می افکند.

امام باقر (ع):

... القائم منا... تطوى له الارض... فلا يبقى فى الارض خراب الا عمر... (21)

- ... زمین برای قائم ما در هم پیچیده می شود (و به لحظه ای از هر نقطه به نقطه دیگر می رسد)... و در زمین جای ناآبادی باقی نمی ماند...

7 - بهره برداری از معادن و منابع زیرزمینی

برای دستیابی به خودکفایی و رفاه درو منابع زیرزمینی و استخراج و بهره برداری از آنها کاری ضروری است، و چاره ای جز این نیست که از همه امکانات وطن انسان یعنی زمین بهره برداری شود. بسیاری از ثروتها و مواد لازم برای زندگی، از معادن به دست می آید. این معادن و مواد دیگری که برای بشر امروز شناخته شده نیست، در دوران ظهور مورد بهره برداری قرار می گیرد.

پیامبر اکرم (ص):

... و يظهر الله له كنوز الارض و معادنها... (22)

- ... خداوند برای قائم (ع) گنجها و معادن زمین را آشکار می سازد...

امام علی (ع):

و تخرج له الارض افاليز كبدها و تلقى اليه سلما مقاليدها... (23)

- ... زمین آنچه را در اعماق خویش دارد برای وی بیرون دهد، و همه امکانات و برکات خویش را در اختیار او گذارد...

امام باقر (ع):

... و تظهر له (القائم «ع») الكنوز... (24)

- ... برای قائم ما گنجها آشکار می گردد...

در دوران پیش از ظهور بسیاری از معادن شناخته شده است و بشر کنونی و آینده بسرعت آنها را استخراج می کند و در زندگی به کار می گیرد. بنابراین از تاکید فراوان احادیث بر موضوع معادن و آشکار شدن آنها برای امام قائم (ع)، می توان حدس زد که آنچه شناخته شده و قابل اکتشاف برای بشر کنونی است (به علت محدودیت دانش بشری نسبت به دوران ظهور و تکامل علم و عقل انسان با راهنمایی و تعلیم معلم بزرگ الهی حضرت مهدی (ع) بسیار ناچیز است، و در دوران آن رستخیز عظیم مواد و معادنی شناخته و اکتشاف می شود که چهره زندگیها را بکی دگرگون می سازد. و باید چنین باشد زیرا که ایجاد رفاه برای کل جامعه بشری کاری ساده نیست، و سرمایه های کلان و عظیمی لازم دارد. یکی از منابع تامین این سرمایه ها معادن است و باید از آنها كاملا استفاده شود. با توجه به بیکرانی و فراوانی منابع و معادن زیرزمینی - بویژه نسبت به بخشهای ناشناخته آن برای بشر امروز - روشن می گردد که این بخش از منابع درآمد دولت مهدی (ع)، سرمایه ای درخور و کارآمد دارد. و از این راه اگر همه مشکلات بشری حل نشود بخشهای عمده ای از آن به در دنیایی که تقسیم بندی جهانی با معیارهای ظالمانه صورت می گیرد و امتهای ضعیف، به حال خود گذارده نمی شوند، و از راههای مری و نامریی در شبکه های پیچیده نظامهای سلطه و سرمایه داری جهان گرفتار می آیند، سخن از آزادی واقعی و آزاد فکری، بازی با کلمات است.

سامانی درخور و شایسته می رسد.

منابع عظیم اکثریت اجتماعات بشری امروز نبود شناخت و دانش کافی است، یا برنامه ریزیهای حساب نشده و نادرست است و دوران ظهور، دوران سراسر آگاهی و شناختهای ناب و خالص است، که همه زوایای زندگی انسان را روشن می سازد و در برنامه ریزیهای فرهنگی، تربیتی، هنری، فنی، اجتماعی، اقتصادی و... نقطه ابهام و عقب ماندگی باقی نمی ماند، و شیوه ها و روشهای اصولی و درست و مقرون به صرفه و به سود انسان ارائه می شود، و زندگی در همه جای زمین چهره ای زیبا و انسانی و سرشار از رفاه بخود می گیرد.

8 - بازپس گیری ثروتهای غصب شده

امام مهدی (ع) از راه دیگری که از اهمیت فراوانی برخوردار است نیز سرمایه های بزرگ و کلانی به دست می آورد، و از آن راه بودجه هنگفت سامان بخشیدن به جامعه انسانی و ایجاد رفاه عمومی را تامین می کند. امام با از میان برداشتن جباران و طاغوتان و سرمایه داران مانع اجرای عدالت، پولها و سرمایه ها و همه امکانات آنها را که از راههای نامشروع، استثمار، غصب، احتکار، ظلم، تعدی و تجاوز، تصاحب به ناحق اموال عمومی و انفال، گرانفروشی، ارزان خریدن مواد خام و کار و کالای مردمان محروم و... به دست آورده بودند، باز پس می گیرد و در اختیار توده های محروم بشری قرار می دهد.

مام دوران پیش از ظهور، به ثروت اندوزیهای کلان دست یازیده اند، و سرمایه های کلانی در همه کشورهای جهان کنز و گنج کرده اند، که بخش اعظم ثروتها و سرمایه های کشورها را تشکیل می دهد. و اینها همه از راههای نادرست و شیوه های استثمار و ظالمانه، روانه جیب عده ای خاص از افراد انسان شده است. (25) امام مهدی (ع)، در رستاخیز ظهور، این مالکیتهای دروغین و صوری را ابطال می کند «مهدی (ع) حق هر حقداری را بگیرد و به او دهد، حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون کشد، و به صاحب حق بازگرداند.» (26)

از جمله اموال عمومی که غاصبانه به افرادی خاص داده شده است «قطایع» است یعنی زمینهایی از اراضی خراجی، که از راه امتیاز به نزدیکان حکام داده می شد. این اموال بذل و بخششهایی است که موجب تشکیل طبقه ای ممتاز در جامعه است. در دوران گذشته پادشاهان و حکومتها به درباریان و اطرافیان خود قطعه زمینهایی پیشکش می کردند. و این زمینها قطیعه و قطایع نام داشت، و آغاز کار تشکیل طبقه ای بود ثروتمند و وابسته به حکومتها و در کنار آنان، و زمینه نابرابری و تبعیض طبقاتی. حکومتهای فاسد و خودکامه با امتیاز بخشی و جانبداری عملی و قانونی موجب می گردند که طبقات ممتازی در سرمایه رشد یابند، و منافع و اموال عمومی را به سود خود به کارفرمایند. این مسائل و نظایر آن در دوران ظهور نابود می شود، و این زمینها چون دیگر اموال غصب شده به مردم بازمی گردد:

امام صادق (ع):

إذا قام اضمحلت القطائع... (27)

- چون رستاخیز قائم بیآغازد، قطایع از میان می رود دیگر اقطاعی در میان نخواهد بود...

امروزه در کشورهای دنیا، شیوه های درآمد - با اکثریت قاطع - نامشروع و ظالمانه است. بیشتر درآمدهای پولی با شیوه های ربوی است، بسیاری از زمینها غصب شده است. بسیاری از مبادلات بازرگانی با سودهای زیاد و غیرمنصفانه انجام می گیرد، و یا با انحصارگراییها و اعمال اجبارها و اضطرابهایی است که همه مستلزم ظلم

است، و سود حاصل از آن غصب و حق محرومان است. شرکتهای بزرگ با شیوه های انحصاراتی و براساس «بخس» و کم بها دادن به کار و کالای مردم، پولهایی به دست می آورند که حق دیگران است. تبانیها و قراردادهایی پنهانی صورت می گیرد و حقوق کارگر و کشاورز و مردم پایین دست بسیار کمتر از حقشان پرداخت می شود. کالاهایی تولید می شود و از آن درآمدهایی تحصیل می گردد که به زیان جامعه و مردم است. و اینها نیز درآمدهای بزرگ و ظالمانه ای است که رایج است. و بدینسان است دیگر اموالی که هر کدام به نوعی ظلم و استثمار و غصب است. و در دوران ظهور، اینها همه به خزانه دولت حق و عدل بازمی گردد و به مصرف اصلی می رسد.

9- استفاده از همه اموال (اموال عمومی، خصوصی)

امام مهدی (ع) برای پیشبرد اهداف انقلاب - طبق تعبیر برخی از احادیث - از همه اموال خصوصی و عمومی بهره می گیرد.

در احادیثی آمده است که همه اموال دنیا نزد امام مهدی (ع) گرد می آید، و امام آنها را میان مردمان طبق قانون عدل و بر اساس نیاز و رسیدن به رفاه و بی نیازی تقسیم می کند:

امام باقر (ع)

... و تجمع الیه (القائم) اموال الدنيا من بطن الارض و ظهرها، فيقول للناس: تعالوا الى ما قطعتم فيه الارحام و سفكتم فيه الدماء الحرام، و ركبتم فيه ما حرم الله - عزوجل - ... (28)

د مهدی (ع) گرد آید، آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین، آنگاه مهدی به مردمان بگوید: «بیایید! و این اموال را بگیرید! اینها همان چیزهایی است که برای به دست آوردن آنها قطع رحم کردید و خویشان خود را رنجانید، خونهای بناحق ریختید، و مرتکب گناهان شدید، بیایید و بگیرید!». (29)

در این حدیث که نمونه های دیگری نیز دارد، اموال به طور مطلق آمده است و این اموال عمومی، چون انفال و ثروتهای طبیعی و مالیاتهای اسلامی و بیت المال را شامل می شود و با اطلاق و کلیتی که دارد ممکن است اموال شخصی و فردی بر اساس مالکیتهای خصوصی را نیز در بر گیرد، یعنی همه اموال از هر کس و هر راه باشد نزد حضرت گرد می آید و از آن مرکز، عادلانه و برادرانه میان همه افراد انسانی توزیع می شود. شاید اینگونه تعالیم به اصلی نظر دارد که در تعالیم ما رسیده است که امام مالک همه اموال است و مالکان خصوصی امانتدارانی بیش نیستند. «... مناسب است که نظریه کوبنده ای را در اموال در اینجا بیاوریم که هر نوع مالکیتی را رد می کند چه رسد به مالکیتهای کلان. شیخ بزرگوار ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی، صاحب «کافی» مالکیت شخصی را از هر کسی نفی می کند در هر چیز ... و این رای در کافی جلد 1/407 و 538، آمده است...» (30) در مورد مالکیت زمین احادیث زیادی رسیده است که زمین ملک امام است.

امام صادق (ع):

... کان امیرالمؤمنین (ع) يقول: من احیی ارضا من المؤمنین فهی له و علیه طسقها یؤدیه الی الامام فی حال الهدنة فاذا ظهرالقائم فلیوطن نفسه علی ان توخذ منه. (31)

- ... امیر مؤمنان چنین گفت: هر کس زمینی را آباد کند آن زمین مال اوست و باید مالیاتی را به امام بدهد در دوران صلح (و آرامش پیش از ظهور)، و آنگاه که رستاخیز قائم بیآغازد مطمئن باشد که زمین از او گرفته می شود.

اینها نمونه ای از تعالیم ما درباره مالکیت زمین در دوران پیش از ظهور و پس از ظهور بود که نظریه مالکیت امام (32) را تثبیت می کند. در تعالیم دیگری از مالکیت اموال - بویژه درگیری بیشتری سخن رفته است: امام باقر (ع):

- فی قوله تعالی: فلما احسوا باسنا اذاهم منها یرکضون لا ترکضوا و ارجعوا الی ما اترفتم فیه...» (33) یعنی الکنوزالتی کنتم تکنزون. (34)

- درباره این آیه قرآن: «چون عذاب ما را حس می کردند به ناگاه از آنجا می گریختند. مگریزید. به ناز و کاموریهای خود و ... بازگردید...» منظور گنجهایی است که ذخیره کردند.

این آیه در حدیث امام باقر (ع)، به ویژگیهای دوران ظهور تفسیر شده است. امام صادق (ع):

موسع علی شیعتنا ان ینفقوا مما فی ایدیهم بالمعروف، فاذا قام قائمنا حرم علی کل ذی کنز کنزه حتی یاتیه فیستعین به علی عده و ذلک قول الله: «الذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم (35)» (36)

- شیعیان ما اجازه دارند از اموالشان در راه کار نیک انفاق کنند، لیکن هر گاه قائم ما قیام کند هر کس مالی گنج و ذخیره کرده است بر او حرام می گردد، تا اموالش را به امام قائم دهد، و امام آنها را در راه سرکوب دشمنان (دین حق) بکار برد. و این معنای قول خداست: «کسانی را که زر و سیم می اندوزند و در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذابی دردآور بشارت ده.»

مساله «کنز» در قرآن مطرح گشته و با لحنی قاطع و کوبنده ممنوع اعلام شده است، (37) لیکن در اثر بدآموزی و نفوذ اشرافیگری در حوزه اسلام، این اصل مورد توجه و عملکرد قرار نگرفته است. در رستاخیز ظهور که دوران عرضه اسلام ناب و خالص و بی پیرایه است این اصل اجرا می شود، و همه اموال کنز شده جامعه، خود از جمله بودجه و سرمایه انقلاب جهانی مهدوی می گردد، و امام از آنها برای ساختن جامعه آرمانی اسلامی و ایجاد رفاه و بی نیازی عمومی و سرکوب دشمنان دین خدا - طبق تعبیر حدیث - بهره می گیرد. (38)

10- کنترل و نظارت دقیق مرکزی

از جمله عوامل بسیار مهمی که امام مهدی (ع) در پرتو آن نابسامانیهای اقتصادی و ویرانی امور معاش را برطرف می سازد، جهانی اسلامی است بر جریان اقتصادی و معیشتی تمام جماعات بشری. امام با مرکزیت واحد و ایدئولوژی واحد که ترتیب می دهد، کل منابع ثروت و درآمد را بدون حیف و میل و تبعیض و امتیاز، در اختیار کل جامعه بشری می گذارد، و همه امکانات را به تساوی تقسیم می کند، همه سرمایه گذاریها به تساوی و عادلانه انجام می گیرد. و از این رهگذر حرکت خودسرانه و آزمندانه گروهی مال پرست در بخشهای خصوصی و اطرافیان حکومتها و مراکز قدرت، که با چپاول ثروتها و تصاحب سرمایه ها به مکیدن خون محرومان می پردازند، کنترل دقیق می شود، و عوامل اصلی فقر و کمبود - که سرمایه داران و زراندوزانند - از میان می رود. (39)

در پایان این بخش، تذکر این نکته نیز لازم است: آنچه درباره انقلاب حضرت مهدی (ع) گفته می شود یا به قلم می آید، نسبت به آنچه خواهد شد و مسائل و طرحها و برنامه هایی که در آن دوران سراسر عدل و داد و شناخت و آگاهی و نظم و حق و حقوق و علم و فن و دانش و ایمان عرضه خواهد گشت، قطره ای است از دریا، و البته

«روشن است که آگاهی کامل از تمام آن مسائل - که پس از ظهور رخ می دهد - در دوران پیش از ظهور دشوار است برای هر کس در هر درجه از آگاهی و اندیشمندی. آری (در این راستا) مهم شناخت برخی از این روشهاست که قوانین عمومی اسلامی آن را روشن می سازد و احادیث ویژه ای است که در این باره رسیده است.» (40)

پی نوشت ها :

1- طبق برآوردهای دقیق آماری و فنی، عامل اصلی عقب ماندگی بخشهای عظیمی از جامعه بشری، کشورهای پیشرفته و ثروتمند است، زیرا که اگر عقب ماندگی، عقب ماندگی فرهنگی است این کشورهای پیشرفته اند که مانع پیشرفت فکر و فن و فرهنگ در اجتماعات عقب مانده اند، زیرا که رشد فرهنگ و تکنولوژی را در میان اجتماعات عقب افتاده مانع سلطه سیاسی و نظامی و اقتصادی خود می دانند. علت عقب افتادگی اقتصادی در کشورهای عقب مانده نیز کشورهای پیشرفته است، زیرا نیاز به واردات صنعتی کشورهای پیشرفته اگر از میان برود، تولیدات این کشورها بدون مشتری و بازار می ماند. عقب افتادگی نظامی نیز وضعش روشن است و چون پدیده شوم عقب افتادگی در همه بخشها به هم مربوط است، بنابراین درمان درد بزرگ عقب ماندگی و حذف عنوان جهان ارد جز از میان برداشتن عامل اصلی آن یعنی متلاشی کردن مراکز قدرت و سلطه، این آرمان بزرگ و الهی در آن دورات سعادت آفرین تحقق می یابد، و مراکز سلطه و قدرت و زور و سرمایه داری در عالم متلاشی می گردد، و توده های انسانی از یوغ فشار و سلطه جویی کامروایان تاریخ آسوده می گردند.

2. به کتابهای دیکتاتوری کارتلها، ترجمه و اقتباس دکتر همایون الهی، 1363 امیرکبیر و «جهان مسلح، جهان گرسنه»، ویلبرانت، ترجمه همایون پور، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی چاپ اول 1365 و «چگونه نیمی دیگر می میرند»، سوزان جرج، ترجمه مهدی قراچه داغی، پژمان، 1363. و «امپریالیسم و عقب ماندگی»، دکتر همایون الهی، شرکت آموزش فرهنگی اندیشه، 1367. و «اقتصاد سیاسی سرمایه داری» و... مراجعه شود.

3. کمکهای جهانی و مؤسسات بین المللی سازمانهای خواربار و دیگر سازمانهای جهانی تنها برای ایجاد وابستگی و بازار مصرف و سلطه اقتصادی بیشتر است. برای توضیح بیشتر به کتابهای: «چگونه نیمی دیگر می میرند» و «امپریالیسم و عقب ماندگی» و «سیطره جهانی» و بخصوص «دیکتاتوری کارتلها» و دیگر کتابها در این زمینه مراجعه شود.

4. «... پاسخ این سؤال که مسدودنشینهای غرب چه اقدامی برای از میان بردن گرسنگی می توانند انجام دهند؟ تنها یک چیز است و آن اینکه ... فقرا را به حال خودشان بگذارند...» «چگونه نیمی دیگر می میرند»، 213. «وقتی امروزه از کمیابی سخن می گوئیم باید آن را در متن سیاست مللی جستجو کنیم که عرضه فعلی غذایی جهان را کنترل می کنند و شرکتهای عظیمی که بر تجارت غذا مسلط هستند... (و به این نتیجه می رسیم که) تنها انسان خالق «کمیابی» است، مدرک سابق، 175-176.

«مصرف کنندگان بازیچه گولهای کشاورزی تجارتی هستند»، مدرک سابق، 213.

«در حقیقت صاحبان این کارتلها چند ملیتی هستند که سرنوشت اقتصاد و در نتیجه سیاست کشورهای جهان را در دست دارند... تسلط کارتلها... بر جهان جز ازدیاد فقر علمی و اقتصادی برای ملتها و حتی مردم کشورهای صنعتی حاصلی به بار نمی آورد...»، «دیکتاتوری کارتلها»، 19. 68.

5. «کافی»، 3/568.

6. «کافی» 1/542.

7. «کافی» 8/32; «مستدرک نهج البلاغه» / 31; «الحياة» 2/493.

8. «بحار» 51/78.

9. «بحار» 51/88.

10. «بحار» 51/123.

11. «تفسیر عیاشی» 1/66; «بحار» 52/224.

12. «بحار» 52/390; «غیبت نعمانی» 237/، با اندک اختلاف.

13. «بحار» 52/337.

14. مطالعه آمار و ارقام منتشره از طرف سازمانهای خواروبار و تولید و مصرف جهانی و آمارهای اقتصادی کشورها، این موضوع را ثابت می کند، که تنها از اضافه غذایی که در برخی کشورهای سرمایه داری در ظرفهای زباله می ریزند یا مصرفی افزون از حد دارند و مواهب طبیعی را اسراف می کنند می توان برخی کشورهای پر جمعیت جهان را به خوبی تغذیه کرد. در اینجا به چند نمونه آماری اشاره می شود:

«... تفاوت مصرف غذایی در جهان قابل توجه است. در تئوری می توان مطرح کرد که مصرف عظیم غیر ضروری کشورهای غنی ممکن است به کشورهای فقیر انتقال یابد، اما حتی اگر چنین انتقالی امکان پذیر یا قابل قبول باشد فقط باعث بهبود سطح تغذیه کشورهای فقیر تا حد رضایت بخش اندگی»، 25. پی. کول. ترجمه ذوالفقاریور و محمود ریاضی امیرکبیر 1365

«در جهان امروز تمام منابع عملی و مهارتهای فنی لازم را برای تغذیه کره زمین و حتی جمعیتی بیشتر را در اختیار دارد. اما مشکل گرسنگی و فقر از این ناشی می شود که در هر جامعه ابتدا اغنیا تغذیه می کنند و مقدار نامتناسبی از غذای موجود را مصرف می کنند.»
«چگونه نیمی دیگر می میرند»، 8 و 10.

«در سالهای اخیر دنیا، سالانه حدود 250 میلیون تن غله و دانه های غذایی تولید کرده و کشورهای توسعه یافته با داشتن فقط ربع جمعیت جهان، نیمی از این تولیدات را مصرف می کنند. حیوانات آنها یک چهارم تمامی غله دنیا را می خورند که معادل است با غذای مصرفی 3/1 میلیارد مردم چین و هند.»
«چگونه نیمی دیگر می میرند»، 8 و 10.

« در ... آمریکا سالانه به تنهایی برای سرسبز نگاهداشتن زمینهای گلف، چمنها و قبرستانها بیش از 2 میلیون تن کود شیمیایی از بین می رود و این مقدار معادل است با کمبود کود مصرفی در کشورهای عقب نگهداشته شده. اگر این مقدار کود در کشورهای جهان سوم مصرف می شد می توانست اضافه تولیدی برابر 15 تا 20 میلیون تن غله داشته باشند.»

«دیکتاتوری کارتلها»، 224.

نمونه دیگر: مصرفهای اضافی و اسراف هزینه های سرسام آور نظامی است: «اکنون همه کارشناسان سرشناس، و حتی کارشناسان محافظه کار، به این نتیجه رسیده اند که تنها راه چیرگی بر بحران مالی جهان، جابه جا کردن اعتباراتی است که به هزینه های نظامی اختصاص یافته است... بر باد دادن بی حساب اعتبارات دولتی در راه سیاستهای تسلیحاتی از عوامل مهم برانگیزنده مشکلات کنونی اقتصاد جهان است این حرف را حتی می توان به شکل صریحتری بیان کرد: مسابقه تسلیحاتی راه را بر بهبود و رشد اقتصادی جهان می بندد.»

«... با هزینه تولید یک هواپیمای جنگی می توان حدود 000/40 داروخانه روستایی برپا کرد... هزینه تولید زیردریایی هسته ای مساوی است با مجموعه بودجه های آموزشی 23 کشور رو به رشد با 160 میلیون کودک که در سنین مدرسه رفتن هستند.»

«جهان مسلح، جهان گرسنه»، 56 و 92.

موضوع مهم دیگری که در این ارتباط قابل دقت است گرسنگیها و کمبودها و قحطیهای مصنوعی است که توسط سرمایه داران و کارتلها و تراستها پدید می آید. این نیز نقش مهمی در کمبودها دارد زیرا که «در زمینه بحران گرسنگی جهانی «شرکتهای کشاورزی تجارتي» نقش مهمی ایفا می کنند این شرکتها از زمین و نیروی کار کشور میزبان برای تولید غذا... جهت صدور به کشورهای توسعه یافته ای که بیشترین بها را برای محصول می پردازند، استفاده می کنند و بدینگونه در قحطی عمدی آن کشورها بنحو مؤثری مشارکت دارند.»

«چگونه نیمی دیگر می میرند» 7. 205.

15. عدالت اجتماعی ص 23 - 57.

16. «بحار». 52/390.

17. و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض»: اگر مردم آبادیها ایمان آورده و تقوا پیشه ساخته بودند، ویشان می گشودیم...» اعراف. 7/96

18. «بحار». 51/83.

19. سوره نوح (71): 10 - 12.

20. «بحار». 10/104.

21. «کمال الدین». 1/231.

22. «موسوعة الامام المهدي»، (الكتاب الثالث)، 780، به نقل از اعلام الوری/ 413.

23. «نهج البلاغه»/ 425.

24. «کمال الدین». 1/331.

25. به کتاب دیکتاتوری کارتلها» و «امپریالیسم و عقب ماندگی» و «چگونه نیمی از دیگر می میرند» و «جهان مسلح، جهان گرسنه» و... رجوع شود تا معلوم گردد که چگونه سرمایه ها و کالاها و همه منافع و منابع انسانهای مظلوم در سراسر جهان به جیب عده ای بسیار اندک (در مقایسه با افراد جامعه بشری) روانه می گردد. تنها در اینجا به یک اعتراف اشاره می شود: «از نتایج بارز پیشرفت علم و توسعه اقتصادی در جهان کنونی، حاکمیت یک گروه کوچک بر زندگی مادی جهان از یک سو و از سوی دیگر فقر، گرسنگی و عقب افتادگی بیش از سه چهارم از انسانهای روی زمین است... یکی از علل توسعه این بی عدالتیهای اجتماعی را می توان در وجود کارتلهای چند ملیتی جستجو کرد.» «دیکتاتوری کارتلها»، 19.

26. «خورشید مغرب»/ 31، به نقل از «المهدی الموعود المنتظر». 1/279.

27. «بحار» 52/309؛ «در فجر ساحل»/ 39.

28. «غیبت نعمانی»/ 237.

29. «خورشید مغرب»/ 33.

30. «الحیاء». 4/186.

31. «وسائل». 6/382.

32. مالکیت امام به عنوان منصب است یعنی مالکیت دولت اسلامی، از این رو مالکیت در اسلام از اشکال مالکیت عمومی و اجتماعی شمرده می شود، زیرا که امام و دولت اسلامی، اموال را در راه سالم سازی اقتصاد جامعه و ایجاد تعادل و توازن اقتصادی و رفع نیازهای عمومی، صرف می کند. برای توضیح بیشتر به «الحیة» ج 6 ص 22 و ج 2 ص 484-49. مراجعه شود و همچنین «اقتصادنا» بخش: «نظریة توزیع ما قبل الانتاج: نظریه توزیع قبل از تولید» ص 433 به بعد و بخش: «مسؤولية الدولة في الاقتصاد الاسلامي: مسؤولية دولت در اقتصاد اسلامي» ص 697 به بعد، دیده می شود.
33. سوره انبیاء (21): 12 و 13.
- 34- «تفسیر عیاشی» 2/60; «آیات الباهرة»، 97.
35. سوره توبه (9): 34.
36. «تفسیر عیاشی» 2/87; «وسائل» 6/381 و 382 با اندکی اختلاف.
37. برای روشن شدن این موضوع به «الحیة» ج 4 ص 160 به بعد رجوع شود.
38. در بخش «مساوات» این موضوع به مناسبتی مشروحتر آمده است.
39. اقتصاددانان چنین می گویند: «... باید درباره مکانیزمهایی به سازگاری رسید که ایجاد و توزیع یک پول بین المللی جهت تسویه حساب بانکهای مرکزی را ممکن کند. این پول، به عنوان ذخیره اعتباری اصلی بین المللی، جایگزین پولهای ملی خواهد شد...»، «دنیا نمی تواند امیدی به کامیابی اقدامات بلندمدت داشته باشد، مگر آنکه به انجام یک برنامه عمل فوری تن در دهد... در این برنامه اضطراری باید به چهار زمینه اصلی و گسترده توجه داشت... چهارم: انجام اصطلاحات بنیادی در نظام اقتصادی بین المللی ... برپایی یک نظام کارآمد مالی و پولی بین المللی به صورتی که تمام کشورها بتوانند با حقوقی برابر در آن مشارکت داشته باشند...» «جهان مسلح، جهان گرسنه» / 185 و 351 و 352.
40. «موسوعة الامام المهدي»، الكتاب الثالث، 770. محمد الصدر، مكتبة الامام امير المؤمنين العامة، اصفهان.